

سه‌شنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۰
۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۳
۱۹ اکتبر ۲۰۲۱
شماره ۸۰۳۳۰۲ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

اخبار

مهرداد فلاح مطرح کرد؛

جمشید سماواتیان دغدغه

حفظ میراث ایرانی داشت

مهرداد فلاح هنرمند نقاش که از شاگردان زنده‌یاد جمشید سماواتیان است، درباره آن مرحوم و سبک آثارش گفت: من از حدود یک دهه پیش افتخار آشنایی و بهره‌مندی از محضر استاد سماواتیان را داشتم و این آشنایی به واسطه زنده‌یاد صادق تبریزی صورت گرفت. در این سال‌ها بسیار از ایشان آموختم و خوشحالم در طول زندگی افتخار شاگردی آن زنده‌یاد را داشته‌ام. سبک استاد سماواتیان در اجرای آثارِ نوجوانه با بن مایه‌های انتزاعی و کهنه‌نما عمدتا به شکل پختینه خلاصه می‌شود و در واقع ایشان کهنه‌کاری را به هنر معاصر آوردند. وی، استاد استفاده از ورق‌های طلا، نقره و پتینه و مبدع این سبک از نقاشی در ایران به حساب می‌آید.

وی تصریح کرد: طی سال‌ها، این سبک استاد سماواتیان بسیار مورد توجه قرار گرفت و هنرمندان بسیاری از آن پیروی کردند. این هنرمند فقید در درجه اول در پی آن بود تا میراث ایرانی را حفظ کند و از سویی دیگر هنرش جنبه اعتراضی داشت، چراکه این آثار در واقع واکنشی بود نسبت به این مساله که از میراث کهن ایرانی به درستی محافظت نشده‌است.

فلاح اظهار کرد: استاد سماواتیان اهمیت یافت و تکسچر را دریافت و بر اساس اقتضای کار از گچ و گل به جای رنگ روغن استفاده می‌کرد که تأثیر بیشتری روی مخاطب داشته باشد. او، شاگرداستاد حیدریان آخرین نقاش دوره کمال‌الملک بود و افتخارش شاگردی حیدریان بود. از نسل دوم نقاشان نوگاری ایران بود و در دوره‌ای در دانشکده هنرهای زیبای تهران هنرآموزی کرد که هم آموزه‌های علی‌محمد حیدریان در دانشکده نفوذ داشت و هم استنادی نوگرا چون محمود جوادیی‌پور به کار آموزش اشتغال داشتند.

وی همچنین توضیح داد: جمشید سماواتیان با تأثیر از هنرهای سنتی و دیوان‌نگاره‌های عصر صفوی زادگاهش اسفهان، آثار را خلق کرد که یادآور و نشان‌دهنده گذر زمان و تخریبی است که بر هنرهای سنتی ایران رفته است. استاد سماواتیان با تسلط بی‌نظیر بر انواع ابزارها و تکنیک‌های غیرمتعارف، به احیای هنر گذشته ایرانی با نگاهی نو و بن‌مایه‌های انتزاعی اهتمام ورزید. او در نقاشی‌های نیمه‌فیکو،رئوپو خود از مولای چون خیمه، گل، نقره، مواد ترکیبی، ورق‌های طلا و گچ، همراه با شیوه‌های مختلف پتینه‌کاری بهره گرفت تا فرسودگی، ریختگی و ترک‌ها را به نمایش بگذارد. همین استفاده از مواد غیرمتعارف به آثار او خصوصیتی معاصر بخشیده است. هنرمندان بسیاری در آثار خود از سماواتیان اقتباس کرده‌اند و بسیاری از نقاشانی که در زمینه سنتی کار می‌کنند از تکنیک‌های او به شکل مستقیم یا غیر مستقیم استفاده کرده‌اند.

این هنرمند نقاش با بیان اینکه آخرین بار پنج روز قبل از ابتلا به کرونا با استاد سماواتیان دیدار داشته است، گفت: استاد سماواتیان جهان‌بینی خود را داشت و نقاشی را به مبنای دل خود کار می‌کرد. ایشان با اینکه خود سال‌ها در خادم آباد شهریار زندگی درویش مسالکانه‌ای را به دور از هیاهوی هنر و در عزلت در پیش گرفته بود اما شخصیت سخاوتمندی داشت و عوائد حاصل از فروش آثارش را صرف امور خیریه و کمک به نیازمندان خادم آباد و هنرمندان نوپایی کرد که به دلیل مسائل معیشتی از مسیر هنری خویش بازمناذه بودند.

وی در پایان مهم‌ترین دستاورد جمشید سماواتیان را نقاشی دانست که میراث خود را با رنج و سختی و سرمستی خلق کرد و در تاریخ هنر معاصر ایران باقی گذاشت و افزود: من افسوس می‌خورم که هنر اثر جمعی مرد بزرگ و خودساخته‌ای را از دست داد. استاد سماواتیان ستون هنر ایران بود، کسی که زنده یاد صادق تبریزی از ایشان به عنوان پدر چنده ایران یاد می‌کرد. هر چند رفتن این هنرمند بزرگ ضایعه‌ای دردآور برای جامعه تجسمی ایران است، با این حال من باور دارم که او فقط جسم خاصی‌اش را تسلیم مرگ کرد. او در بین ماست و میراث گران قدرش تا ابد در قلب یکایک ما باقی خواهد ماند.

چریکه خاموش پیمان رحیمی زاده که این روزها در گالری مژده به تماشاش از فریادی می گوید که گویا به گوش کسی نمی رسد. تابلوهایی در اندازه های کوچک در قاب هایی تک نفره، زن هایی را روایت می کنند که گرفتار رنج اند. سیاه سفیدی زمینه که لبریز از خاکستری تند است بر تلخی سوژه ها می افزاید اما روح منتقدانه حاکم بر اثر سبب می شود مخاطب با کارها همذات پنداری کند، هنرمند این آثار معتقد است بازتاب دادن این تلخی لازم است، رحیمی زاده می گوید:« برای اصلاح وضع موجود زنان در دنیا چاره ای غیر از نمایش دادن آن نیست. »

آنچه بر جذابیت این نمایشگاه می افزاید فرم های معناگرایي ست که پرسوناژهای رحیمی زاده را معاصر می کند، سیب حوا به تیر ممنوعه عشق پوسیده شده، یکی یقه لباس دهانش را بسته ، بعدی به جای خود شکستن آینه شکسته، در دهان دیگری تلمبه چاه بازکن دستشویی فرو رفته و ... هنرمند در خلق این موقعیت ها موفق بوده و به حتم پیشینه تصویرسازی او در این مهم

نقش به سزایی دارد.

رحیمی زاده می گوید« تم و روایتگر این آثار را از یکی از متن های آقای رضا برهانی الهام گرفته ام اما در ادامه این موضوع را بسط و توسعه دادم و با مضامینی که در ذهن داشتم همراه کردم».

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمازاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیک:
info@emtiadzaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۱۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لینوگرافی و چاپ: ریخان

پیمان رحیمی زاده: تصویر گری در ایران شغل نیست

نمایشگاهی که فریادش به جایی نمی‌رسد



او تاکید دارد: « تصاویر خلق شده برش هایی از اتفاقات تلخ و نابرابری ست که در طول تاریخ در سراسر دنیا علیه زنان به وجود آمده و بیانگر دردی فروخورده است. زنان اما زیر این فشارها همچنان ایستاده اند و به راه ادامه می دهند».

رضایی مطرح کرد؛

حضور در جامعه فیلم کوتاه مثل عضویت در کلوپ خصوصی است

این هنرمند ادامه داد: خیلی از مدرسان تجربه‌های قابل توجه در تولید فیلم کوتاه دارند، شخصی که خودش فیلم کوتاه ساخته، جهان فیلم کوتاه را می‌شناسد و از طرفی بر منابع مکتوب و تئوری سینمایی تسلط دارد، سر کلاس به هنرجوی امروزی درس می‌دهد. به همین دلیل سرعت انتقال و کیفیت بیشتر می‌شود.

وی بر برگزاری کارگاه‌های برگزار شده در حاشیه جشنواره را نیز بر ارتقای کیفی تولیدات سینمای کوتاه مؤثر دانست و افزود: گاهی گلابه‌هایی در ارتباط با تفاوت کیفیت آموزش در تهران و برخی شهرهای بزرگ در مقایسه با شهرستان‌های کوچک وجود دارد اما خوشبختانه کارگاه‌های جشنواره این فرصت را به فیلمسازان مشتاق می‌دهد که در بازه زمانی جشنواره دانش خود را به روز کنند.

رضایی عنوان کرد: یک بخش دیگر تفاوت در کیفیت آثار، مرهون پیشرفت تکنولوژی است. در سال‌های دور ما مجبور بودیم با اندک تجهیزات موجود در دفاتر انجمن فیلمبرداری کنیم. به یاد دارم برای گرفتن باکس تدوین باید نوبت می‌گرفتیم، اما امروز جدیدترین و باکیفیت‌ترین دوربین‌ها و امکانات نورپردازی در دسترس فیلمسازان فیلم کوتاه قرار دارد و موضوع تجهیزات تدوین و پس تولید تقریباً دیگر مانعی به حساب نمی‌آید. همچنین اگر به کیفیت و تیم صدابرداری و صداگذاری فیلم‌های جدید دقت کنید، جزئیات پادند صوتی این فیلم‌های کوتاه به اندازه‌ها و استانداردهای جهانی است که این امر نشان می‌دهد چقدر از نظر فنی پیشرفت چشمگیری داشته‌ایم. بنابراین می‌توان گفت ترکیب آموزش و دانش تئوریک و کیفیت فنی قطعا در فیلم‌های امروزی نتیجه داشته است.

وی با بیان اینکه داستان‌های فیلم کوتاه امروزی تنوع وسیعی دارند، عنوان کرد: فیلمسازان سینمای کوتاه امروزه برای داستان‌گویی حتی سراغ ژانرهای سینمایی می‌روند و امکانات ژانری را در قالب و ظرف زمانی ۱۵ دقیقه‌ای بازتعریف می‌کنند. وضعیت فیلم‌های کوتاه داستانی در این سال‌ها‌های اخیر به نحوی است که بد نیست ما مدرسان به سینما برگردیم، دوباره در سالن سینما بنشینیم و از روی دست هنرجویان و فیلمسازان جوان داستانگویی را دوباره یاد بگیریم. امسال من از دیدن این حجم از قصه‌های تازه، تنوع ژانری و ظرافت در ساخت و تغییر صحنه به صحنه در شخصیت پردازی فیلم‌های کوتاه داستانی و بارها بارها غافلگیر شدم. شک ندارم هنر داستان‌گویی به سینمای کوتاه آینده‌ای جدی و اثرگذار بر جریان‌های هنری پیش رو خواهد داشت.

رضایی گفت: اینکه امسال جشنواره فیلم کوتاه تهران «اسکار کولیفاید» شده دستمزد زحماتی است که خیلی‌ها در این سال‌ها در انجمن سینمای جوان کشیدند. در ۲۷ دوره گذشته، هر سال عده‌ای با گرایش‌های هنری و سیاسی متفاوت، از گروه‌ها و جریان‌های هنری متفاوت هر کدام سهمی در رشد این جشنواره داشته‌اند.

نگاهی به جنجالی ترین سرفتهای هنری جهان

آثار هرگز دوباره کشف نشدند.
ربودن آثار هنری از کشورهای خارجی در زمان قدرت نازی‌ها از سال ۱۹۳۳ تا پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ ادامه پیدا کرد.

ادولف هیتلر در دورانی آرزو داشت به یک هنرمند حرفه ای تبدیل شود اما رویای او پس

از آنکه او در آزمون ورودی آکادمی هنرهای زیبای وین رد شد ناپود شد. او به پرتره‌ها و منظره‌های کلاسیک به خصوص آثاری که منشا و اصالت آلمانی داشتند علاقه بسیاری داشت. شاید به همین دلیل باشد که او هنر مدرن همچون کوبیسم را هنر منحطی می‌دانست.

نازی‌ها در بیستم مارس سال ۱۹۳۹، ۱۰۰۴ تابلو نقاشی و مجسمه و ۳۸۲۵ نقاشی آبرنگ، طراحی و چاپ‌دهد را در حیطا دپارتمان آتش‌نشانی برلین آتش زدند. حدود ۲۰ درصد از آثار هنری اروپا توسط نازی‌ها غارت شد و در حال حاضر بیش از ۱۰۰ هزار اثر هنری وجود دارد که هنوز به وراثان اصلی بازگردانده نشده‌اند.

متفقین ارگان‌های ویژه‌ای همچون «هردان آثار فرهنگی» تشکیلاتی دارند تا از نابودی آثار فرهنگی اروپا جلوگیری کنند. به این منظور پس از جنگ، این گروه از افراد به مناطقی که پیش از این تحت اشغال نازی‌ها بودند سفر می‌کردند و انبارهای هنری نازی‌ها را کشف می‌کردند.

در سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ این گروه

پست الکترونیک:
info@emtiadzaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۱۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لینوگرافی و چاپ: ریخان

W W W . E M T I A Z D A I L Y . I R

یک فنبان جای داغ

جواد علیزاده:

باید کاریکاتوریست‌ها را روی سرشان بگذارند

«کاریکاتوریست در حقیقت جامعه‌اش را آسیب‌شناسی می‌کند و مسوولان باید آن‌ها را روی سرشان بگذارند و از آنان قدردانی کنند؛ اما گاه برخوردها با این هنرمندان خیلی تند است و مسوولان از خودشان تحمل‌ناپذیری نشان می‌دهند.»

جملات بالا بخشی از اظهارات جواد علیزاده – کارتون‌یست و کاریکاتوریست باسابقه کشورمان – است که در گفت‌وگویی به مناسبت درگذشت ایرج یکه‌زارع مطرح شد.

علیزاده همچنین درباره شخصیت هنری یکه‌زارع (کاریکاتوریست قدیمی کشورمان که به تازگی از دنیا رفت)، چنین گفت: «من در اواخر دهه ۱۳۴۸ با دین کاریکاتوره‌ای این هنرمند در مجله کاریکاتر با کارهایشان آشنا شدم. از نظر شخصیتی شناخت چندان‌ی از ایشان نداشتم ولی کاریکاتورهایشان بسیار بازمه بود و خیلی حالت کارتونی داشت؛ یعنی به قدری چهره آدم‌ها را از نظر حالت و سایر موارد خوب درمی‌آوردند که شما زمانی که کاریکاتور ایشان را می‌دیدید، بدون آنکه سوژه آن کاریکاتور را مطالعه کرده باشید، به خنده می‌افتادید.»

وی ادامه داد: «[ایشان دارای یک قلم شیرین بودند که می‌توانستند حالات چهره را به خوبی دربریاورند.»

علیزاده ضمن اشاره به این نکته که هر کاریکاتوریست سبک خودش را پیدا می‌کند، اضافه کرد: «ما نمی‌توانیم بگوییم کاریکاتوریست‌ها سبک ندارند؛ چراکه همه هنرمندان این حوزه در اثر کار کردن مستمر و شاید هم ناخودآگاه سبک خودشان را پیدا می‌کنند.»

به عقیده این هنرمند هر کاریکاتوریستی که بخواهیم آثارش را تجزیه و تحلیل کنیم باید از نظر سوژه به این قضیه اشاره داشته باشیم که دارای چه طرز فکری بوده و چه تکنیکی داشته است. وی درباره تکنیک یکه‌زارع در کاریکاتور این چنین اظهار کرد: «آقای زارع از نظر تکنیک و اجرا خیلی کاریکاتوریست موفقی بودند، منتها این اواخر به دلیل بیماری و درگیری کار ی خیلی کاریکاتور را جدی نمی‌گرفتند و به همین دلیل در مواقعی بین کارهای ایشان فاصله می‌افتاد. ولی از نظر طرز فکر و سوژه هم خیلی ایده‌آل‌های جالبی داشتند. ایشان بیشتر ژورنالیستی کار می‌کردند اما در مواردی آثار غیرژورنالیستی نیز در بین کارهای ایشان دیده می‌شود.»

علیزاده ادامه داد: «[یشان در دو سبک ژورنالیستی و جشنواره‌ای تبحر داشتند ولی بیشتر در سبک ژورنالیستی فعال و مطرح بودند. من ایشان را هم دارای سبک می‌دانم و هم دارای یک خط مشی خوب که در دوره‌های مختلفی کارهای مختلفی از ایشان خلق شده و ماندگار نیز خواهد ماند.»

وی در پاسخ به سوالی که از او درباره ویژگی کارهای ایرج یکه‌زارع پرسیده شده، این‌چنین پاسخ داد: «یک کاریکاتوریست هم با احساس مخاطب سر و کار دارد و هم به ترویج انتقادپذیری در جامعه می‌پردازد که موجب توسعه سیاسی در بین مردم و مسئولان می‌شود. از نظر هنری نیز یک کاریکاتوریست سعی می‌کند که مخاطب را وادار به تفکر کند، با کاریکاتور شما می‌توانید یک موضوع ساده را پیچیده کنید و در دید مخاطب قرار دهید. کارهای آقای یکه‌زارع به نظرم همه این ویژگی‌ها را داشت و به دلیل انتخاب سوژه‌های بازمه نیز حس و حال در مخاطب ایجاد می‌کرد.»

این هنرمند همچنین درباره علت مهجور ماندن ایرج یکه‌زارع و هنرمندانی مانند او گفت: «شاید به بعضی کاریکاتوریست‌ها آن‌طور که باید احترام گذاشته نمی‌شود و قدرشان را نمی‌دانند و خب در نهایت این هنرمندان از این حوزه عقب‌نشینی می‌کنند. اما برخی به دلیل اینکه وابسته به این کار شده‌اند، به قول معروف تا آخرین قطره خونشان این کار را ادامه می‌دهند. نسل جدید و جوان‌ترها بیشتر سوژه‌ها و ایده‌های کاریکاتوریست‌های جدیدتر را دنبال می‌کنند چراکه آن‌ها را از نظر سنی به خودشان نزدیک‌تر می‌دانند ولی من فکر می‌کنم که در هنر نمی‌توان گفت این کار قدیمی است و اینکه بازنشنگی در هنر خیلی مفهوم ندارد، چون یک کاریکاتوریست هر چقدر بیشتر کار کند، بیشتر تجربه به‌دست می‌آورد.»

وی ادامه داد: «[اینکه هنرمندانی مثل آقای زارع و امثال ایشان در کشور ما وجود دارند که بسیار کار کرده‌اند اما شناخته شده نیستند، نشان می‌دهد که در جامعه ما بستر لازم برای شکوفایی یک کاریکاتوریست و شناخته شدنش آن‌طور که باید فراهم نیست. در جامعه ما از طرف دیگری مسئله‌ای به اسم حق راییت وجود دارد که رعایت نمی‌شود. من نزدیک به ۵۰ سال است که دارم کار می‌کنم و خیلی پیش آمده که کارهایم بدون امضا و ذکر منبع در نشریات و سایت‌ها چاپ شده است. این در حالی است که در خارج از کشور زمانی که یک طراح و یا کاریکاتوریست کارش را با امضای خودش ثبت می‌کند در طول هر سال زمانی که این کار دوباره چاپ شود بابت هر بار چاپ کارش به او حقوق مالی تعلق می‌گیرد.»

بهروز مفید مطرح کرد؛

سرنوشت فیلم برگ‌زیده کودکان در جشنواره سی‌وچهارم چه می‌شود؟

بهروز مفید تهیه‌کننده سینمایی «بام‌بالا» به کارگردانی سیدجمال سیدحاتمی که از آثار تقدیر شده در سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان بود، درباره برنامه‌ریزی برای اکران این فیلم سینمایی گفت: یکی از بهترین دلایل موفقیت این فیلم در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، کسب جایزه بهترین فیلم از طرف داوران کودک و نوجوان بود و معنای این توفیق این است که اگر در شرایط مناسبی این فیلم اکران شود، مطمئناً که از استقبال قابل‌قبولی برخوردار شود. وی ادامه داد: امیدوارم شرایط هم از نظر پروتکل‌های بهداشتی هم از نظر حمایت‌های سازمان سینمایی به گونه‌ای فراهم شود تا فیلم «بام‌بالا» بتواند در شرایط مناسبی اکران شود. خطری که در حال حاضر یک فیلم سینمایی را تهدید می‌کند این است که آن فیلم در شرایط ایده‌آل اکران نشود و برگشت مالی برای آن اتفاق نیفتد که این موضوع می‌تواند خسارت بسیار زیادی به همراه داشته باشد.مفید درباره بازه مطلوب برای اکران این فیلم سینمایی هم گفت: واقعیت این است که نمی‌توانم در این زمینه نظر قطعی بدهم. اگر شرایط از نظر فراگیر ی کرونا به سمت نرمال پیش برود و مردم نسبت به حضور در سالن‌ها سینما تمایل نشان دهند، بهترین موعد اکران این فیلم همین امسال است تا دچار خواب سرمایه نشویم. نزدیک یک سال و نیم از تولید این فیلم می‌گذرد اما هنوز به اکران نرسیده‌است و این‌فی‌نفسه می‌توان خسارت به همراه داشته باشد. با این همه با توجه به شرایط موجود و احتمال مواجهه با پیک ششم کرونا، نمی‌توانم نظر قطعی درباره زمان اکران این فیلم بدهم.

سازمان سینمایی جساتر به خرج دهد

این تهیه‌کننده درباره اکران نشدن فیلم‌های کودک و نوجوان طی ۲ سال اخیر هم اظهار کرد: فکر می‌کنم سازمان سینمایی نیاز به یک بازنگری دارد. ما باید خود را به شرایط موجود به نحوی همسو کنیم. اگر سازمان سینمایی بتواند یک فرآیند جبران خسارت برای تهیه‌کننده‌ها در نظر بگیرد، اکران‌های آنلاین هم می‌تواند در این زمینه کمک‌کننده باشد، بچه‌های ما نیاز به خوراک فرهنگی دارند. اگر سینماها با این شرایط نتوانند به هزینه مناسب با فضای فیلم‌های کودک باشند، آیا باید فضا را خالی بگذاریم؟ سازمان سینمایی باید جساتر به خرج دهد و حمایت ویژه‌ای را درباره برخی محصولات داشته باشد تا این خلأ پر شود.

تهیه‌کننده «بام‌بالا» درباره احتمال اکران آنلاین این فیلم در صورت تضمین سازمان سینمایی گفت: قطعاً حاضر به اکران آنلاین هستیم، حتی اگر تضمین در حد برگشت مالی فیلم باشد. فیلم را اکران آنلاین می‌کنیم، فقط هم بحث این فیلم نیست. سازمان سینمایی باید این جساتر را در زمینه حمایت از تعدادی از فیلم‌ها از خود نشان دهد تا اکران آنلاین داشته باشند و فضای سینما را احیا کنند.

مفید درباره ویژگی‌های فیلم «بام‌بالا» هم مطرح کرد: در ۲ کار قبلی‌ام یعنی «دو دلقک» و «یک دود، با اینکه آثار لولاجت و آزران بودند، اما تلاش کردم با دقت به چگونگی تنظیم شویم، به همین دلیل به خوبی توانستم بازگشت مالی داشته باشیم و جایزه ویژه داوران کودک را برای آن فیلم هم به دست بیاوریم؛ برخی از فیلم‌ها پایی در فضای کودکان دارند و پای دیگر در فضای بزرگسالان. تکلیفشان هم خیلی معلوم نیست. موزیک‌های این آثار هم خیلی متناسب با فضای داستان نیست و به فیلم ضمیمه می‌شوند. در فیلم «بام‌بالا» اما تلاش داشتیم اول بخش‌های موزیکال مرتبط با داستان فیلم باشد، ثانیاً سوژه به‌گونه‌ای باشد که با استفاده از ظرفیت عروسک و جلوه‌های ویژه، فیلم متناسب با ذائقه کودکان باشد. همه این عوامل دست به دست هم داد تا به واسطه حسن سلیقه کارگردان و فیلمنامه خوب، فیلم بتواند در جشنواره این موفقیتی را به دست بیاورد.